خراسان شمالی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

۳۰ درصد نقاط حادثه خیز استان در محور بجنورد- گلستان قرار دارد

با توجه به ابلاغ دستورالعمل جدید شناسایی نقاط حادثه خیز در کشور ۹۶ نقطه حادثه خیز در استان شناسایی شده است که ۲۹ نقطه یعنی ۳۰ درصد آن ها در محور بجنورد- گلستان قرار دارد. رئیس اداره ایمنی اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای خراسان شمالی در این باره به خبرنگار ما گفت: با توجه به دستورالعمل و فرمول جدید محدوده های حادثه خیز جاده ای، اداره ایمنی راه های استان اقدام

به شناسایی نقاط حادثه خیز کرد که ۵۱ نقطه از نقاط پرتصادف راه‌های استان در محورهای شریانی و اصلی، ۲۸ نقطه در محورهای فرعی و ۱۷ نقطه در محورهای روستایی قرار دارد. «پرتونیا» خاطرنشان کرد: از ۵۱ نقطه حادثه خیز شناسایی شده در راه های اصلی و شریانی ۲۹ نقطه آن در محور بجنورد- گلستان قرار دارد داشت که البته ۲ نقطه آن طی ۴ بانده کردن قسمتی از این جاده حذف شد. وی تصریح کرد: حذف و آشکار سازی این نقاط پیش از پایان امسال و آغاز تعطیلات نوروزی از اولویت های این اداره است.

تلنگر

آسیب شناسی فرهنگ ترافیکی و عوامل مؤثر بر آن(۲)

تأثیر جریمه ها بر جلوگیری از تخلفات رانندگی

گرچه طی سال های گذشته جریمه‌های تخلفات راهنمایی و رانندگی به چند برابر افزایش یافته، اما در مواردی از قبیل استفاده از تلفن همراه در حین رانندگی نشان می دهد افزایش جرایم فی نفسه نقش مهمی در کاهش تخلفات نداشته است. حتی گمان برخی ها این است که چنین اقداماتی به منبع در آمدی برای پلیس تبدیل شده است. چنانچه فعالیت‌های فرهنگی از طریق بهره گیری از فضای رسانه‌های جمعی توسعه یابد چه بسا نیازی به تشدید مجازات ها نباشد.

در این رابطه، چنان که سفری کوتاه به کشور های توسعه یافته داشته باشیم یا از طریق دوستان وضعیت آن دیار را رصد کنیم، خواهیم دید تحت تأثیر عوامل محیطی نخستین ویژگی چشمگیر رانندگان، حالت آرامش و رعایت نظم و نیز احترام به قوانین راهنمایی و رانندگی است، که فی نفسه انجام سفر درون و برون شهری را بر هر شهروندی لذتبخش می کند. در ریشه یابی این که چرا در هر یک از کشورهای اروپایی، رانندگی هر فردی کاملاً متفاوت می‌شود، باید اذعان داشت به لحاظ این که رعایت هنجار در آن جوامع وجهی عمومی دارد و ترجیح منافع جمعی بر منفعت شخصی نهادینه شده است.البته شایان توجه است که در فرهنگ ملی ما تعارفات اجتماعی جایگاه ویژه ای دارد. به طور مثال هنگام عبور از در هر ساختمانی، به نحو مؤدبانه ای دیگران را بر خود ترجیح می دهیم. اما در تقاطع بعدی هنگام سبقت و راه دادن به یکدیگر، عرصه خیابان را با میدان مسابقه اشتباه گرفته و بعضاً به گونه ای از حقوق دیگران چشم پوشی می شود که خلاف شئون هر جامعه ای است. تجربه بستن کمربند در رانندگی نشان داد علاوه بر کار فرهنگی ضمانت اجراهایی از نوع جریمه در جای خود تأثیر گذار بوده است. لیکن پیشنهاد می شود اولاً برای مهار شرایط فعلی علاوه بر تکیه صرف بر تشدید جریمه های نقدی، ضمن نظارت بیشتر مأمورین راهنمایی و رانندگی اقدامات وضعی و فیزیکی دیگری از قبیل توقیف خودرو های پر خطر، در دستور کار قرارگیرد. ثانیاً چنانچه یکی از پیش نیاز های استخدام و انتصاب در منصب عالی و متوسط، اخذ سوابق رانندگی هر فرد جویای کار یا کسب موقعیت اجتماعی باشد، چه بسا ضمن حفظ بازدارندگی به خوبی بتوان به شخصیت ذاتی افراد متقاضی پی برد. از طرف دیگر، با شناسایی آنها و اجبار به شرکت در دوره های بازآموزی در طرحی کوتاه مدت می توان به نتایج مطلوبی دست یافت.ثالثا از آنجایی که در شرایط فعلی سیاست های بیمه ای در خصوص نرخ حق بیمه بین راننده‌ای که نه یک بار، بلکه چندین بار مرتکب خلاف شده و با یک وسیله نقلیه عامل تصادف و ایراد ضرر مالی و جانی به دیگران بوده و دیه جان باختگان را از جیب سایر بیمه گزاران پرداخته است، با یک راننده کم‌خطر که در طول عمرش حتی یک بار خسارتی برای جامعه به بار نیاورده، یکسان است، بنابراین شایسته است که شرکت‌های بیمه نسبت به سیاست های جاری تجدید نظر کنند، تا به صورت غیر مستقیم در کاهش سوانح و حوادث رانندگی نقش سازنده ای داشته باشند.

معاونت فرهنگی دادگستری کل خراسان شمالی

ماجرای مردی که از همسرش کتک می‌خورد

صدیقی- باور کردن ماجرای زندگی اش کمی سخت است اما واقعیت دارد. مردی که به گفته خودش تنها به خاطر آینده فرزندانش زندگی تلخ وکتک خوردن های گاه و بی گاه از سوی همسرش را تحمل کرده و تاب آورده است. مردی که خود روزگاری شاهد زورگویی های پدرش نسبت به مادرش بوده و می دید که مدام او را مورد ضرب وشتم قرار می داد، از همان لحظه تصمیم می گیرد که بعد از ازدواج مرد مهربانی برای همسرش باشد اما هیچ وقت خودش چنین روزی را تصور نمی کرد که از همسرش مدام کتک بخورد.

این مرد ماجرای آزار و اذیت های همسرش را برایمان بازگو می کند.عقربه های ساعت عدد ۶ و ۳۰ دقیقه را نشان می داد. به سختی چشمهایم را باز کردم. سردرد عجیبی داشتم که تاکنون سابقه نداشت. برای چند ثانیه صدایی نمی شنیدم و فقط با سرگیجه و بهت زده به اطرافم نگاه می کردم. همسرم را دیدم که با چهره ای پر از خشم به من نگاه می کرد.

تازه به خاطر آوردم که ساعتی پیش چه اتفاقی برایم افتاد. من پدری داشتم که مدام مادرم را تحقیر می کرد و در مقابل چشمان مان مادرم را کتک می زد. به همین دلیل من هیچ علاقه ای به پدرم نداشتم و همیشه با خودم می گفتم بعد از ازدواج در آینده پدری مهربان برای فرزندانم باشم تا فرزندانم نسبت به من چنین حسی نداشته باشند و هیچ گاه نمی خواستم مثل پدرم باشم.

نزدیک به ۳۰سال است که با همسرم ازدواج کرده ایم و دو فرزند پسر داریم. اوایل زندگی خوب و حداقل بدون تنشی داشتیم اما رفته رفته اخلاق و رفتار همسرم تند شد و گاهی هم به خشونت کشیده می شد و با کتک خوردنم پایان می یافت.

با خودم می گفتم شاید با بچه دار شدن همسرم مهر مادری اش به جوش آید و من هم در پناه فرزندانم یک زندگی آسوده ای را تجربه کنم اما افسوس که همسرم از همان دوران مجردی اش مشکل روانی داشت. این را بعدا از خانواده اش شنیدم که گاهی اوقات مادرش راهم کتک می زد.

بعد از گذشت مدتی از زندگی مشترکمان تنش بین ما بیشتر شد و همسرم نسبت به من سوء ظن شدیدی پیدا کرد و بحث های کوچک را بزرگ می کرد و سریع حرف های رد و بدل شده بین ما را به خانواده اش می گفت که با وساطت بزرگترها و کوتاه آمدن های من مشکل حل می شد. وی با دلی از اندوه و با حسرت از ادامه زندگی پرتنش خود و همسرش چنین تعریف می کند: بعد از گذشت مدتی از زندگی مشترکمان صاحب فرزند شدیم اما برخلاف انتظارم رفتارهای زننده همسرم تندتر شد تا جایی که روزی همسرم چنان من را کتک زد که دنیا تا مدتی دور سرم می چرخید اما به دلیل جلوگیری از آبروریزی بین فامیل سکوت کردم و بعد از این ماجرا تا مدتی هرکس برای خودش زندگی می کرد. مرد تنها و درد کشیده بعد از این ماجرا مدتی تنها به زندگی خود ادامه داد .

وی درباره ادامه ماجرا می گوید: بعد از این اتفاق همسرم به تنهایی به سفر می رفت و حتی شغل خود را هم تغییر می داد و من هم جرات هیچ اظهار نظری را نداشتم و زمانی هم که اعتراض می کردم همسرم به شدت عصبی می شد و پرخاشگری می کرد. مشکلات ما زمانی شدت گرفت که فرزندانم بزرگتر شدند .

من که فقط به دلیل آینده فرزندانم تمام مشکلات را تحمل کرده بودم حالا آنها هم با همسرم همراه شده بودند و من را امر و نهی می کردند. در گذشته بحث های ما نهایتا فحاشی و بی احترامی و پرت کردن اشیای منزل به سوی همسرم بود اما بعد از این ماجرا فرزندانم هم در بحث های ما مداخله می کردند تا جایی که همسرم را در کتک زدن من همراهی می کردند و از این بابت دچار آسیب های جسمی جدی شدم . حالا به اندازه ای عرصه برایم تنگ شده که مجبور شدم به مرکز حمایتی برای حل مشکلم پناه بیاورم .

نظریه کارشناس

شوهرآزاری : رفتاری آزاردهنده از طرف زن علیه شوهر است که در محیط خانواده به وقوع می پیوندد و حقوق او را پایمال می کند که ممکن است جنبه جسمی ، روانی ، جنسی و اقتصادی داشته باشد.

علل شوهرآزاری :

الف) علل روانشناختی : تنهایی، افسردگی، توهم، اضطراب.

ب) علل فرهنگی : عدم شناخت وظایف و مسئولیت ها و سستی باورهای مذهبی.

ج) علل اجتماعی: دخالت اطرافیان، نارضایتی اجتماعی

د) نارضایتی خانوادگی: ازدواج اجباری، خشونت خانوادگی؛ مشاهده رفتارهای خشن پدر.

اصولا عکس العمل مردان در مقابل همسرآزاری به دو صورت خواهد بود:

۱ –انزواطلبی (تاخیر در بازگشت به خانه و اعتیاد)

۲ – طغیانگری (طلاق، ازدواج مجدد، در مضیقه اقتصادی قرار دادن و تخریب حیثیتی)

در راهروی دادگاه خانواده

زندگی روی گسل زلزله

تا روزی که مادر همسرم زنده بود زندگی ما هم سرپا بود اما با فوت مادر شوهرم انگار روزگار هم البته با کم کاری شوهرم روزهای خوش خودش را از ما گرفت و هر روز ابرهای سیاه بر سر آسمان زندگی مان سایه افکند و زندگی مان را تاریک کرد. هر وقت که در زندگی کم و کاستی داشتیم فوراً برای رفع مشکل زندگی مان به سراغ مادر شوهرم می رفتیم و به او پناه می بردیم.

شوهرم یکی یک دانه و تن پرور بود و به مادرش خیلی وابسته بود و این وابستگی او به مادرش با تغییر هر چند اندک رفتار مادرش بر زندگی ما هم تاثیر می گذاشت و اگر مدتی کمکش را از ما دریغ می کرد به قول معروف هشتمان گرو نهمان می شد.

ما زندگی مشترکمان را از یک زیر زمین نمناک اجاره ای آغاز کردیم . اوایل همه چیز به واسطه پول و کادوهای جمع شده از مراسم جشن عروسیمان خوب پیش می رفت اما بالاخره هر پس اندازی یک روزی تمام می شود. اوایل زندگی مشترکمان هر بار شوهرم وعده رفتن به سر کار را می داد و به بهانه رفتن سر کار صبح از خانه بیرون می زد و عصرها خسته به خانه بر می گشت و من ساده هم به خیال این که از سر کار برگشته و خسته است مثل پروانه دورش می چرخیدم .

این ماجرا ادامه داشت تا این که روزی مادر شوهرم به خانه ما آمد و از دست شوهرم به شدت گلایه کرد و وقتی دلیل اعتراضش را از او جویا شدم متوجه شدم که شوهرم هر روز به بهانه رفتن سر کار به خانه مادرش می رفت و از او به نوعی پول تو جیبی می گرفت و خوشحال با آن پول به خانه برمی گشت. تازه متوجه شدم که در این مدت همه حرف های شوهرم در مورد کار کردنش دروغی بیش نبوده و از سادگی من سوءاستفاده کرده است.

بعد از فوت مادر شوهرم همسرم به شدت افسرده شد و به نوعی اعتماد به نفسش را از دست داد و به خاطر وابستگی اش به مادر مرحومش در این مدت شغلی برای خودش دست و پا نکرده بود و به همین دلیل زندگی ما روز به روز دچار بحران شد. شوهرم اصلا قادر به تامین مخارج زندگی نیست و از طرفی دیگر به دلیل خانه استیجاری کرایه خانه چند ماه عقب افتاده بود و صاحب خانه عذر ما را خواست و ما را از خانه بیرون کرد. به ناچار به خانه پدرم برگشتم و مدتی با سبک و سنگین کردن اوضاع تصمیم گرفتم به دادگاه خانواده بیایم تا با راهنمایی گرفتن از قانون بتوانم این زندگی را ترمیم کنم یا برای همیشه از خیر این زندگی بگذرم و راه جدیدی را در پیش بگیرم.

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد ذمه)

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۹۴۰۰۳۸۱ له: طاهره شاد علیه: جواد جعفرزاده سهم الارث جواد جعفرزاده از مرحوم پدرش آقای رضا جعفرزاده در ششدانگ یک باب منزل مسکونی به شماره پلاک ثبتی ۹ فرعی ۸۸۲ اصلی واقع در قطعه یک شیروان بخش پنج قوچان که سند آن در صفحه ۱۰۳ دفتر ۶۶ املاک بنام رضا جعفرزاده ثبت و سند صادر شده است به آدرس ملک شیروان خیابان بهارستان یک پلاک ۱۶ که طبق نظر کارشناس رسمی ششدانگ به مبلغ ۲/۰۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی شده و پلاک فوق دارای مساحت عرصه ۳۸۰ مترمربع و اعیان ۱۶۰ مترمربع می باشد. محدود به حدود اربعه شمالاً پی دیواریست اشتراکی با باغ شماره ۱۰ مالک شرقاً به دیوار اشتراکی با باغ شماره ۸۹۸ خدیجه جنوبا پی دیواریست اشتراکی با باغ شماره هشت مورد فراز مالک غربا درب و دیواری است به کوچه اختصاصی شمارات یک الی یازده فرعی باقیمانده بدون اسکلت به نمای ساختمانی سیمانی طوسی و سقف چوبی با قدمت بیش از ۳۰ سال دارای انشعابات آب، برق، گاز و تلفن می باشد. سهم الارث آقای جواد جعفرزاده از مرحوم پدرش رضا جعفرزاده در پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۴ در اداره ثبت اسناد و املاک شیروان واقع در شیروان خیابان امام رضا جنب بیمارستان از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده سهم الارث مدیون در ششدانگ پلاک که ششدانگ به مبلغ ۲/۰۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً سهم الارث مدیون فروخته می شود. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب، برق و گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از این که رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقداً وصول می گردد. ضمناً چنان چه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد.

صمد ابراهیم زاده – رئیس ثبت اسناد و املاک شیروان

۹۵۳۴۰۴۳۱/و

انجمن ام اس خراسان شمالی

شماره حساب کمک به بیماران ام اس:

۲۲۷۷۱۹۲/۴۵ بانک ملت شعبه امام خمینی

شماره کارت: ۶۱۰۴۳۳۷۷۷۰۰۹۳۹۴۴

۰۱۰۴۶۴۰۹۰۴۰۰۶ بانک صادرات

۱۱۰۱۱۱۱۰۳۰۰۳۹۱ بانک پاسارگاد

خراسان شمالی،بجنورد،طالقانی شرقی،نرسیده به پارک شهر،پلاک۱۳۱

تلفکس:۳۲۲۵۵۹۲۲-۰۵۸

۹۵۳۹۸۷۵۹/و

کارت دانشجویی

اینجانب مجتبی ایزانلو دانشجوی رشته علوم سیاسی دانشگاه پیام نور بجنورد مفقود گردیده است. از یابنده تقاضا می گردد آن را به نزدیک ترین صندوق پستی بیندازد یا این که با شماره ۰۹۳۹۸۴۳۳۶۰۷ تماس حاصل فرمایید.

۹۵۳۳۹۱۴۹/و

۹۵۱۱۲۴۱۹/و

۹۵۰۴۱۱۵۶/و